

رویکرد ائمه (ع) برای حفظ منابع طبیعی، واکنشی نبوده است

هر چه تمدن بشری به پیش می‌رود و فناوری‌ها پیشرفت بیشتری می‌کنند، منابع طبیعی بیشتر تخریب می‌شوند و بدین‌سان، اهمیت بیشتری می‌یابند. گفتمان لزوم حفظ منابع طبیعی، تقریباً مورد توافق تمام انسان‌ها قرار گرفته است اگرچه بسیاری از آنها، عملاً به آن توجهی ندارند. حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محسن الویری که دکتری خود را در رشته تاریخ و تمدن ملل مسلمان از دانشگاه تهران دریافت کرده است، در گفتگوی اختصاصی با فقه معاصر، در پی بیان سیره معصومین (ع) در حفظ محیط‌زیست است. او مبانی ای را بر می‌شمارد که بدون فهم و توجه به آنها، نمی‌توان سیره اهل‌بیت (ع) پیرامون منابع طبیعی را دریافت. مشروح گفتگوی اختصاصی فقه معاصر با مدیر گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم در پی می‌آید:

اشاره: هر چه تمدن بشری به پیش می‌رود و فناوری‌ها پیشرفت بیشتری می‌کنند، منابع طبیعی بیشتر تخریب می‌شوند و بدین‌سان، اهمیت بیشتری می‌یابند. گفتمان لزوم حفظ منابع طبیعی، تقریباً مورد توافق تمام انسان‌ها قرار گرفته است اگرچه بسیاری از آنها، عملاً به آن توجهی ندارند. حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محسن الویری که دکتری خود را در رشته تاریخ و تمدن ملل مسلمان از دانشگاه تهران دریافت کرده است، در گفتگوی اختصاصی با فقه معاصر، در پی بیان سیره معصومین (ع) در حفظ محیط‌زیست است. او مبانی ای را بر می‌شمارد که بدون فهم و توجه به آنها، نمی‌توان سیره اهل‌بیت (ع) پیرامون منابع طبیعی را دریافت. مشروح گفتگوی اختصاصی فقه معاصر با مدیر گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم در پی می‌آید:

فقه معاصر: آیا در سیره عملی معصومین (ع) مواردی که مرتبط با لزوم حفظ منابع طبیعی باشد به چشم می‌خورد؟

الویری: وقتی ما تأکید می‌کنیم به سیره عملی، اگر این تأکید به مفهوم محروم ساختن خودمان از توصیه‌ها از سخنان و احادیث و مرویات ائمه (ع) باشد به نظر می‌رسد که این روش قابل‌دفاع نیست؛ بلکه در یک نگاه وسیع‌تر، وقتی از سیره حرف می‌زنیم بتوانیم به سخنان نیز استناد کرد و به آنها نیز ارجاع داد و از آنها به‌عنوان شاهد بر سیره بهره‌جست؛ با این توضیح که توصیه ائمه (ع)، یعنی گزاره‌های روایات، بر دو قسم است: برخی از آنها گزاره‌های خبری هستند و بعضی گزاره‌های انشائی هستند. گزاره‌های خبری این است که ائمه (ع) جمله‌ای را مثلاً درباره اهمیت زراعت بیان کرده است؛ این گزاره خبری است. گزاره انشائی آنجایی است که توصیه‌هایی به شیعیان یا مسلمانان و مؤمنان دارد که مثلاً این کارها را انجام بدهید یا آنها را از کارهایی بازداشته است.

لذا از تمام گزاره‌های منقول از ائمه (ع)، چه خبری و چه انشائی، می‌توان سیره را فهم کرد؛ با این توضیح که وقتی ائمه (ع) چیزی را بیان می‌کنند، خودشان هم عامل به آنها بوده‌اند. البته بعضی از موارد هستند که می‌دانیم ائمه (ع) به آن عمل نکرده‌اند؛ مثلاً وقتی درباره مجازات یک عمل خلاف سخن گفته‌اند نمی‌توانیم بگوئیم که خود ائمه (ع) به آن عمل کرده‌اند. در این موارد با یک قرینه می‌توان فهمید که ائمه (ع) به آن عمل نکرده‌اند. به‌عنوان مثال، ایشان در توصیه به زراعت، مواردی

را بیان کرده‌اند؛ اما نباید سراغ بررسی سندی رفت، بلکه باید به سیره عملی به مفهومی که از رفتار ائمه(ع) در اختیار داریم و اگر روایات هم نبود می‌فهمیم که از سیره ائمه است، عمل کنیم.

با این مقدمه، جواب سؤال مثبت است. در سیره عملی ائمه(ع)، موارد قابل توجهی مرتبط با لزوم حفظ منابع طبیعی داریم. دسته‌ای که از این گزارشی هستند؛ مثل مواردی که به لذت بردن از طبیعت برمی‌گردد، اینکه نگاهی به طبیعت باعث رفع اندوه می‌گردد. امام علی(ع) در حکمت ۴۰۰ از نهج البلاغه می‌فرمایند: «... النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ نُشْرَةٌ» (حکمت ۴۰۰): نگاه کردن به فضای سبز، غم را از دل انسان دور می‌کند. دلالت فرمایش امام(ع) بر این است که خود ایشان نیز از طبیعت لذت می‌بردند. هیچ دلیلی که امام(ع) را از لذت بردن از طبیعت، استثنا کرده باشد وجود ندارد.

یا روایت دیگری که از امام صادق(ع) ذکر شده است که ایشان فرمودند: «لَا تَطْيِبُ السُّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثٍ: الْهَوَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَاءِ الْغَزِيرِ الْعَذْبِ وَ الْأَرْضِ الْخَوَّارَةِ» (تحف العقول، صفحه ۳۲۰): در زندگی و سکناى انسان، سه چیز دل چسب است: هوای پاک، آب گوارا و زمین آماده کشاورزی.

بعضی از این روایات، حاکی از لذت از طبیعت و محیط‌زیست و دسته دیگری از گزارش‌ها، توصیه به کشاورزی و باغداری است به‌عنوان استحباب کشاورزی. روایات متعددی در این زمینه داریم. از امام علی(ع) نقل شده است که: «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَنَّهُ كَانَ يَعْمَلُ بِيَدِهِ وَيَجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَأْخُذُ فَيْئَهُ وَ لَقَدْ كَانَ يَرَى وَ مَعَهُ الْقَطَارُ مِنَ الْإِبِلِ وَ عَلَيْهِ النَّوَى فَيُقَالُ [لَهُ]: مَا هَذَا يَا أَبَا الْحَسَنِ؟ فَيَقُولُ: نَخْلٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَيَغْرِسُهُ فَمَا يُعَادِرُ مِنْهُ وَاحِدَةً، الْخَبَرَ. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۳؛ ص ۴۵۹).

این روایات بیانگر این است که حضرت حامل نخل بودند و شروع می‌کردند به کاشتن نخل‌ها.

حدیث دیگری به این مضمون از پیامبر اکرم(ص) نیز نقل شده است:

«ما من مسلم يزرع زرعاً او يغرس غرساً فياًكل منه طير او انسان او بهيمة الا كان له به صدقة»: هیچ مسلمانی نیست که چیزی را بکارد و از محصول او پرنده‌ای یا انسانی یا حیوانی بخورد مگر اینکه تمام این‌ها برای آن انسان صدقه به حساب می‌آید.

این فرمایش بیانگر امتداد صدقه‌ای است که انسان برای خود، ساخته و پرداخته است. در هر دودسته از روایات، اهتمام به حفظ محیط‌زیست به چشم می‌خورد. در چهار باب اول کتاب مستدرک الوسائل، روایاتی به همین مضمون وجود دارد: أَبْوَابُ كِتَابِ الْمَزَارَعَةِ وَ الْمَسَاقَاةِ، بَابُ اسْتِحْبَابِ الْعَرْسِ وَ شِرَاءِ الْعَقَارِ وَ كَرَاهَةِ بَيْعِهِ، بَابُ اسْتِحْبَابِ الزَّرْعِ، بَابُ اسْتِحْبَابِ الْحَرْثِ لِلزَّرْعِ، بَابُ مَا يَسْتَحَبُّ أَنْ يُقَالَ عِنْدَ الْحَرْثِ وَ الزَّرْعِ وَ الْعَرْسِ.

این روایات در مجموع، اهمیت و حفظ محیط‌زیست را مورد تأکید قرار می‌دهد.

فقه معاصر: آیا می‌توان عدم پرداخت جدی معصومین(ع) به مقوله لزوم حفظ منابع طبیعی را ناشی از عدم وجود بحران منابع طبیعی در زمان ایشان دانست؟

الویری: اگر یک موضوع به‌عنوان یک بحران در یک شرایطی مثل زمان معصومین(ع) مطرح باشد مواجهه با آن هم متناسب با آن بحران خواهد بود؛ ولی اگر مسئله‌ای وجود داشته باشد ولی در سطح و تراز بحران نباشد، طبیعتاً اهتمام و پرداختن با آن هم متناسب با بحران نبودگی است. مسئله‌ای محیط‌زیست و همچنین محیط طبیعی گرچه در زمان اهل‌بیت(ع) به‌مثابه بحران مطرح نبوده؛ ولی اساس آن مورد توجه بوده است. با توجه به اینکه جایگاه منابع طبیعی در زیست انسانی، در بهینه زیستن انسان‌ها، در پیشرفت جامعه و در توسعه یافتگی و تمدن یافتگی و... یک رکن است و پایه اصلی این توسعه‌ها است؛ بنابراین لازم نیست که حتماً بحران باشد تا ائمه(ع) به آنها توجه داشته باشد؛ بلکه اهتمام اهل‌بیت به این موضوع بسیار جدی است هر چند به‌عنوان بحران به آن نگاه نکرده‌اند.

در اینجا چند نکته قابل ذکر است:

پیش از بیان این نکات، لازم است دانسته شود که فهم سیره ائمه(ع) جز در پرتو فهم مبانی دینی میسر نیست. باید مبانی مسلمی را از قرآن و روایات به دست بیاوریم تا رویکرد اصلی ما را نسبت به منابع طبیعی نشان بدهد و بر پایه اینها حکم کنیم که ائمه(ع) در همین چارچوب حرکت کرده‌اند نه اینکه ابتدا چارچوب را ترسیم کنیم و بعد بر اساس آن چارچوب، مسیر ائمه(ع) را فهم کنیم. با توجه به این مطلب، چند نکته را تقدیم می‌کنم:

نکته اول، نمادین بودن و آیه بودن طبیعت است. در فرهنگ اسلامی ما، عالم طبیعت و منابع طبیعی، آیه هستند و وجهی نمادین دارند؛ لذا فقط خودش نیست بلکه آن شیء حامل یک پیامی است که آن پیام باید از طریق آن شیء، فهم و رمزگشایی شود و پیام اصلی به دست بیاید؛ مثل علائم جاده‌ها که آن علائم موضوعیت ندارند؛ بلکه آن پیامی را که منتقل می‌کنند مهم است.

آیات متعددی در این رابطه است؛ مثل آیه ۱۶۴ سوره بقره:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»: آفرینش آسمانها و زمین و شب و روز و... مجموع آنها نشانه‌های طبیعی هستند برای کسانی که اهل خرد باشند.

نکته دوم، اهمیت و جایگاه زمین است. در فرهنگ اسلامی، زمین از جایگاهی ویژه برخوردار است که از منظر منابع طبیعی در پرتو نگاه ما درباره زمین قابل فهم است. این واژه ۴۶۱ بار در قرآن بکار رفته است؛ مثل آیه ۶۱ سوره هود:

«وَالِی تُمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ.»

اغلب مفسران گفته‌اند که خداوند از شما می‌خواهد که در زمین آبادانی بیاورید. آباد کردن زمین، یک خواسته و مطالبه خداوندی است. پیامبر(ص) هم فرموده‌اند که نسبت به زمین اهتمام داشته باشید و آن را به منزله مادر خطاب کرده‌اند؛ مرحوم مجلسی در بحارالانوار به نقل از رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ وَ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ يَعْمَلُ خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَ هِيَ مُخْبِرَةٌ بِهِ.» (بحارالانوار، ج ۷، ص ۹۷). همین‌طور فرمایش امام علی(ع) به مالک‌اشتر که می‌فرماید: بیشتر توجه به زمین داشته باش تا جمع‌آوری خراج: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَوْ بَلْغِ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخِرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَدْرُكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ.»

نکته سومی که اهمیت منابع طبیعی را نشان می‌دهد احکام شرعی پیرامون آن است. آداب نماز خواندن ما مانند طهارت و سجده بر مهر، به منابع طبیعی بازمی‌گردد. در احکام حج، یکی از محرمات احرام، نکندن علف از زمین شمرده شده است.

اینها نکاتی بودند که برای فهم رویکرد اهل بیت(ع) نسبت به منابع طبیعی، ناچار از نظر داشت آنها هستیم.

فقه معاصر: باتوجه به شرایط خاص جغرافیایی زندگی معصومین(ع) نظیر خشکی، کمی جمعیت، عدم استفاده از سوخت‌های فسیلی و... آیا می‌توان سیره‌های ایجابی و سکوتی ایشان را برای انسان معاصر که جغرافیای کاملاً متفاوتی را تجربه می‌کند مدنظر قرار داد؟

الویری: اگر در شرایط خاص جغرافیایی زندگی معصومین(ع)، سیره ایجابی و سکوت اهل بیت(ع) را در آن شرایط برای انسان معاصر که زندگی‌اش کاملاً تفاوت کرده مبنا قرار بدهیم، طبیعتاً پاسخ مثبت است. البته با این توضیح که نوع تعامل اهل بیت(ع) با منابع طبیعی، مبتنی با یک سری مبانی است که آن مبانی به هیچ‌وجه محدود به زمانه و زمینه خاصی نیست، بلکه اموری انسانی است و چون انسانی است فراتر از یک زمان و مکان خاص است و برای همیشه تاریخ برای انسان‌ها می‌تواند مدنظر قرار بگیرد.

نکته دیگر این است که این فقط سیره ایجابی و سکوتی نیست؛ بلکه ائمه(ع) فراتر از امضا و تقریر، آشکارا در این باره رفتارهایی را انجام داده و افزون بر رفتارها، به‌صراحت نیز سخن گفته‌اند. سیره مطلوب مدنظر اهل بیت(ع)، در این توصیه‌هایشان هم بازتاب دارد و لذا بارها توصیه به حفظ منابع طبیعی کرده‌اند.

نکته دیگر اینکه ما وقتی به انسان امروز نگاه می‌کنیم می‌بینیم که انسان معاصر با یک مشکل و بحرانی روبرو شده و دنبال علاجش می‌گردیم؛ لذا دنبال سیره ائمه(ع) می‌گردیم تا بتوانیم از زیست آنها هم الگو بگیریم؛ اما نکته مهم در سیره ائمه این است که مواجه آنها واکنشی و برای علاج نبوده که بحران پیش بیاید و بعد علاجش کند؛ بلکه سیره آنها، عملاً

پیشگیری‌کننده و بازدارنده بوده است. این سیره، نه سکوتی و نه در زمانی خاص، بلکه پیشگیری‌کننده و بازدارنده‌ای فعال و غیرمنفعل است که محدود به سیره سکوتی و ایجابی هم نیست و فراتر از امضا و تقریر با رفتارها و سخنان آشکار است.

فقه معاصر: سیره معصومین(ع) در قبال حاکمیت را با سایر شخصیت‌های علمی معاصر با ایشان در قبال حفظ منابع طبیعی، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

الویری: در این رابطه نکته خاصی ندارم و نیازمند مطالعه و بررسی بیشتری است. جمله‌ای از امیرالمؤمنین(ع) است که می‌فرماید: خداوند دوست دارد اثر نعمت را بر بندگانش ببیند؛ لذا چون منابع طبیعی هم یک نعمت الهی است، این جمله، بیانگر لزوم حفظ این منابع و استفاده بهینه از آنهاست. با این نگاه به نظر می‌آید لازم است روایات بار دیگر، بازخوانی شوند.

فقه معاصر